

## باسمه تعالی

۱..... **مقدمه واجب**

۱..... **ثمرات اصل مساله**

۱..... **تحقیق صغرای باب اجتماع**

۱..... جواب سوم مرحوم آخوند: عدم دخالت مساله مقدمه واجب به باب اجتماع

۲..... اشکال استاد به جواب سوم مرحوم آخوند: ظهور ثمره در مقدمات توصلی

۲..... صحت جواب سوم مرحوم آخوند در فرض عدم پذیرش ترتب

**موضوع:** بررسی ثمره مرحوم بهبهانی / ثمرات اصل مساله / مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد ثمرات اصل مساله مقدمه واجب بود. مرحوم آخوند چند ثمره را مطرح کرد که مورد بررسی قرار گرفت. در جلسه گذشته ثمره دیگری که به مرحوم بهبهانی نسبت داده شده بود، مطرح شد. اگر قائل به وجوب مقدمه بشویم، در جایی که مقدمه واجب حرام است، اجتماع امر و نهی لازم می‌آید. در این جلسه به بررسی جواب سوم مرحوم آخوند به این ثمره پرداخته می‌شود.

**مقدمه واجب****ثمرات اصل مساله****تحقیق صغرای باب اجتماع****جواب سوم مرحوم آخوند: عدم دخالت مساله مقدمه واجب به باب اجتماع**

مرحوم آخوند در جواب سوم فرمود: «هر چند که ما قبول کنیم، بنا بر ملازمه (بین وجوب مقدمه و ذی المقدمه) بحث، داخل در اجتماع امر و نهی می‌شود؛ اما این دخول در باب اجتماع، ثمره ندارد. اگر ثمره باب اجتماع در محل کلام تطبیق بشود (من جوزه صححها و من منعه ابطالها) خوب است؛ اما ثمره باب اجتماع در محل کلام جریان ندارد؛ لذا ادراج این مساله بنا بر ملازمه در باب اجتماع بی خاصیت است.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۲۵.

بیان مطلب این است: برفرض که ملازمه را بپذیریم و مقدمه واجب را واجب بدانیم و برفرض که این مورد از مصادیق باب اجتماع امر و نهی در شیئی واحد باشد، ولی مسأله وجوب و عدم وجوب مقدمه دخیل نیست و در این جهت نقشی ندارد؛ چرا که مقدمه واجب یا توصلی است و قصد قربت لازم ندارد و یا تعبدی است و قصد قربت می‌طلبد.

اگر توصلی باشد با انجام این مقدمه، غرض که امکان توصل است، مطلقاً حاصل می‌شود؛ یعنی چه مقدمه واجب را واجب بدانیم و چه واجب ندانیم؛ پس در این قسم از مقدمات ثمره‌ای ظاهر نشد؛ اما اگر مقدمه‌ای تعبدی باشد و در مسئله اجتماع امتناعی شویم و بگوییم که اجتماع امر و نهی در شیئی واحد محال است و ضمناً جانب نهی را بر جانب امر ترجیح دهیم، با انجام چنین مقدمه‌ای غرض حاصل نمی‌شود و امکان توصل به ذی المقدمه مطلقاً وجود ندارد، یعنی چه ملازمه را بپذیریم و چه نپذیریم، در هر حال خصوص این مقدمه محصل غرض نیست؛ ولی اگر در آن مسئله اجتماعی شویم و بگوییم: هیچ مانعی ندارد که امر و نهی در شیئی واحد اجتماع کنند، در نتیجه با مقدمه به مقصد می‌رسیم و غرض مطلقاً تأمین می‌شود؛ یعنی چه ملازمه را قبول داشته باشیم یا نه. سرّ مطلب آن است که مقدمات عبادی خودش امر مستقل دارد و وجوب شرعی از این امر استفاده می‌شود و نیازی به ملازمه و مانند آن نیست؛ پس از این نقطه، در بحث مقدمه واجب ثمره‌ای پیدا نشد؛ بلکه از نظر اجتماع و امتناع ثمره داشت که با مباحث اجتماع امر و نهی قبل از بحث از مقدمه واجب، حل می‌شود.

### اشکال استاد به جواب سوم مرحوم آخوند: ظهور ثمره در مقدمات توصلی

به نظر ما کلام مرحوم آخوند در مقدمه عبادی، صحیح است و قول به ملازمه و عدمش، تأثیری در صحت و فساد مقدمه عبادی ندارد، لکن کلام ایشان در مورد مقدمه توصلی، صحیح نیست؛ زیرا اگر چه در برخی موارد مثل تطهیر نجس با آب غصبی، ثمره ای وجود ندارد (بالاخره تطهیر حاصل شده است)، لکن در مواردی مثل ستر در نماز، بحث ملازمه دارای ثمره است و نمی‌توان گفت که بالاخره ستر حاصل شده است و مولی نمی‌تواند امر به اعاده کند. عدم امر به اعاده، اول الکلام است و چه بسا مولی، این ستر محرم را قبول نکرده و امر به اعاده نماز کند.

### صحت جواب سوم مرحوم آخوند در فرض عدم پذیرش ترتب

خلاصه مطالب تا به این جا این شد: اشکال اول و سوم مرحوم آخوند وارد نیست و اشکال دوم صحیح است. برای تکمیل بحث باید این نکته را تذکر دهیم که ادعای مرحوم بهبهانی (وجود ثمره در باب اجتماع امر و نهی) صحیح است و کلام ایشان در خصوص مقدمه منحصره است.

به نظر ما ادعای مرحوم بهبهانی در مورد مقدمه منحصره است و ظاهر کلام ایشان نیز همین مطلب است. اساساً مقدمه غیر منحصره از محل بحث خارج است و اشکال ثانی مرحوم آخوند بر یک مبنا صحیح است و بر یک مبنا صحیح نیست.

بیان مطلب: در باب ترتب دو نظریه وجود دارد. یک نظریه این است که ترتب معقول نیست و یک نظریه این است که ترتب معقول است. ادعای مرحوم بهبهانی (ادراج مساله مقدمه واجب بنا بر قول به ملازمه) در صورت قول به وجوب مطلق المقدمه و بنا بر قبول ترتب، صحیح است. هر چند که وقتی مکلف ذی المقدمه اهم را اتیان می‌کند، مقدمه حرام، از حرمت ساقط می‌شود (به خاطر فعلیت یافتن اهم و تقدم اهم بر مهم) اما اگر ذی المقدمه عصیان شود، بنا بر قبول ترتب، حرمت مقدمه فعلیت پیدا می‌کند.

پس بنا بر این که اولاً مطلق مقدمه واجب باشد و ثانیاً بنا بر قبول ملازمه و ثالثاً بنا بر قبول ترتب، اجتماع وجوب و حرمت لازم می‌آید. حال که اجتماع وجوب و حرمت لازم آمده است، باید خطابها را ملاحظه کنیم. اگر خطابها به دو عنوان تعلق گرفته باشند یا یکی از آنها به ذات و دیگری به عنوان تعلق گرفته باشد، باب اجتماع امر و نهی است و اگر به یک عنوان تعلق گرفته باشند، باب تعارض است.

اگر از باب تعارض باشد، باید احکام باب تعارض را جاری کرد. ممکن است هر دو تعارض کنند و تساقط کنند و سراغ اصل عملی برویم؛ پس ثمره وجود دارد. بله، تعارض گاهی اوقات صغرای باب اقتضاء را تشکیل می‌دهد و این مطلب در تحقق ثمره مضر نیست. کما این که در باب اجتماع امر و نهی، اگر کسی قائل به امتناع باشد و جانب نهی را مقدم کند، صغرای باب اقتضای نهی نسبت به فساد محقق می‌شود. لذا گفته می‌شود: همان طوری که اگر در باب اجتماع، صغرای باب اقتضاء نهی نسبت به فساد محقق بشود، ضرری به ثمرات باب اجتماع نمی‌رساند، همچنین در بحث مقدمه حرام واجب اهم نیز این گونه است.

از این بیانات نتیجه گرفته می‌شود ادعای که مرحوم آخوند صحیح نیست. ایشان فرمود: مساله مقدمه واجب را اگر قبول کنیم که داخل باب اجتماع است، ثمره ندارد. به نظر ما ثمره دارد؛ زیرا گاهی اوقات، داخل در باب تعارض است و ثمره دارد و مرجحات باب تعارض و اجتماع با هم متفاوت هستند.

پس اولاً ادعای مرحوم بهبهانی در مورد مقدمه منحصره است و اشکال دوم مرحوم آخوند وارد نیست و ثانیاً در مقدمه منحصره بر مبنای قبول اجتماع وجوب و حرمت، ثمره وجود دارد و گاهی اوقات داخل در باب اجتماع و و گاهی اوقات داخل در باب تعارض است و اگر تعارض باشد، ثمره دارد.

در حقیقت ثمره مهم بحث مقدمه واجب، همین ثمره اخیر است که در مقدمه منحصره، اجتماع وجوب و حرمت لازم می‌آید و گاهی اوقات داخل در باب اجتماع است و گاهی اوقات از باب تعارض است و اگر داخل در باب تعارض باشد، ثمره وجود دارد.

#### خلاصه

ادعای مرحوم بهبهانی (وجود ثمره) بر مبنای وجوب مطلق مقدمه و قبول ترتب صحیح است و مرحوم آخوند چون ترتب را قبول ندارد، این ثمره را قبول نمی‌کند؛ زیرا اگر ترتب مورد قبول نباشد، مقدمه یا فقط واجب است و یا فقط حرام است. مرحوم سید محمد باقر صدر، یک ثمره دیگری در موردی که ذی المقدمه علت تامه تحقق حرام باشد، مطرح کرده است. در جلسه آینده به بررسی این مطلب پرداخته می‌شود.